

سیاست‌های حمایتی در اقتصاد ایران تغییر شکل می‌یابد

انتشاره:

اقتصاد جهانی به سمت آزادسازی تجارت گام برمی‌دارد و در این راستا به نفع کامل موانع غیر تعرفه‌ای تجارت و کاهش تعرفه‌ها تمایل دارد. چنانچه هر کشوری خواهان کسب سهم بیشتری در تجارت جهانی باشد، می‌بایست اصلاحات اقتصادی و بازرگانی خارجی را متناسب با سمت و سوی تجارت و اقتصاد جهانی تغییر دهد. با این وصف کاهش سیاست‌های حمایتی یکی از وظایف اصلی دولت به منظور افزایش سهم اقتصاد ملی در اقتصاد جهانی است.

سیاست‌های حمایتی به‌ویژه در بخش بازرگانی که از قرن هجدهم میلادی در کشورهای گوناگون رایج شده، به تدریج در قالب توافقی‌های به‌عمل آمده در گفت‌وگوهای دور از گوشه از بین می‌رود و تجارت جهانی در راستای رقابت بیشتر گام برمی‌دارد. با وجود آنکه در این دور از گفت‌وگوهای آزادسازی تجارت، تسهیلات خاصی برای کشورهای درحال توسعه منظور شده است، اما در شماری از این گروه کشورها هنوز سیاست‌های حمایتی گمان‌انگیز ادامه دارد.

از آنجا که بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی در بین کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت صورت می‌گیرد و نظم‌دهی به تجارت بین‌المللی در قرن آینده نیز توسط همین سازمان صورت می‌پذیرد، لذا انجام اصلاحات اقتصادی و بازرگانی برای داشتن تعادلات تجاری گسترده با این کشورها، گروه کشورهای درحال توسعه نیز ناگزیر به انجام اصلاحات می‌باشند تا بتوانند سهم خود را در تجارت دنیا بهبود بخشند.

ایران اسلامی اگرچه هنوز به عضویت سازمان جهانی تجارت در نیامده است، اما برای داشتن سهم متناسب با توانمندی‌های اقتصادی‌اش در تجارت جهانی، ملزم به انجام اصلاحاتی است تا بتواند ضمن رونق بخشیدن به صادرات غیر نفتی و کاهش اتکاء به صادرات نفت، زمینه رشد و توسعه اقتصادی پایدار را برای خود فراهم سازد.

در این نوشتار به نقش سیاست‌های حمایتی در راهبرد توسعه اقتصادی، دلایل و آثار اقتصادی سیاست‌های حمایتی، شیوه‌های حمایت در اقتصاد کشورهای درحال توسعه از جمله ایران و شیوه‌های انجام اصلاحات برای کاهش حمایت‌های بازرگانی و حرکت در راستای اندام در اقتصاد تجارت جهانی به‌طور گذرا نظر می‌افکنیم.

یک موازنه نامتعادل اقتصادی با کشورهای صنعتی قرار داشته‌اند که در اثر آن در مدار بسته توسعه نیافتگی قرار گرفتند. با این وجود شماری از کشورهای درحال توسعه جهان به‌ویژه در نیم قرن اخیر برای رهایی یافتن از توسعه نیافتگی، به راهبردهای دست یازیدند که دو راهبرد جایگزینی واردات

متداول در کشورهای پیشرفته، کشورهای درحال توسعه جهان نیز اعمال این گونه سیاست‌ها را به‌ویژه در بیش از نیم قرن اخیر در دستور کار دولت‌های خود قرار داده‌اند. کشورهای درحال توسعه جهان که در اوایل قرن بیستم در سلطه کشورهای صنعتی قرار داشتند، پس از دستیابی به استقلال سیاسی، همچنان در

سیاست‌های حمایتی به‌ویژه در بخش بازرگانی در دنیا سابقه‌ای در حدود ۲۰۰ سال دارد و کشورهای مختلف جهان با اهداف ویژه که عمده‌ترینشان دستیابی به رشد اقتصادی پایدار می‌باشد، از این نوع سیاست‌ها به شیوه‌های گوناگون بهره گرفته‌اند. صرف نظر از سیاست‌های حمایتی

و توسعه صادرات یا سیاست‌های درون‌گرا و برون‌گرا عمده آن بوده است. نتایج حاصل از پیگیری راهبرد جایگزینی واردات در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که پیروی از این راهبرد نتوانسته است اثرات مثبت در رشد اقتصادی پایدار این جوامع به وجود آورد و سهم آنها را در تجارت بین‌المللی (از طریق افزایش چشمگیر صادرات) بهبود بخشد. اما اتخاذ راهبرد توسعه صادرات در شماری از کشورهای در حال توسعه از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد سبب شده که این کشورها ضمن دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و سریع، بتوانند سهم خود را از طریق جهش صادرات در تجارت جهانی بهبود بخشند و از مزیت‌های اقتصادی و توانمندی‌های اقتصادی خود به نحو مطلوب در جهت رشد و توسعه پایدار اقتصادی بهره گیرند. در این گونه کشورها که اینک در شمار کشورهای تازه صنعتی شده جهان قرار دارند، اصلاحات اقتصادی و آزادسازی تجاری با کاهش سیاست‌های حمایتی توانسته است به رشد قوی صادراتشان کمک کند و سهم مناسبی از بازارهای جهانی را در اختیار تولیدات خود قرار دهند.

البته این گروه از کشورها به سادگی نیز به چنین نتایجی دست نیافته‌اند، زیرا که همواره با سیاست‌های حمایتی کشورهای صنعتی در مقابل صادرات تولیدات صنعتی خود مواجه بوده‌اند. اقداماتی نظیر وضع تعرفه‌های گمرکی، سهمیه‌بندی و دیگر محدودیت‌ها از سوی کشورهای صنعتی به‌ویژه در برابر تولیدات صنایع سبک کشورهای در حال توسعه که نیروی کار ارزان در افزایش توان رقابتشان در بازارهای کشورهای صنعتی مؤثر است، وجود داشته است. آنها همچنین با سیاست‌های پولی و مالی کشورهای صنعتی برای تغییر در تقاضای

کل، مواجه شده‌اند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که دلایل گوناگونی کشورهای جهان را به اتخاذ سیاست‌های حمایتی بازرگانی سوق می‌دهد که مهمترین آنها بهبود رابطه مبادله، حمایت از نیروی کار داخلی و مقابله با بیکاری، افزایش هزینه کالاهای وارداتی تا حد تولیدات داخلی برای بهبود توان رقابت تولیدات ملی و حمایت از تولیدکنندگان خودی، نظم‌دهی به تراز پرداخت‌های خارجی، حفظ ارزش پول ملی، مقابله با سیاست‌های رقابت مکسارانه (ضددامپینگ)، حمایت از صنایع نوپا و صنایع مهم از نظر امنیت ملی و... می‌باشند.

اعمال سیاست‌های بازرگانی بر اساس دلایل فوق‌الذکر، آثار اقتصادی گوناگونی نیز در کشورهای مختلف جهان به‌جا گذاشته است که مهمترین آنها آثار اقتصادی سیاست‌های ارزی، یارانه و سیاست‌های بازرگانی است.

آثار اقتصادی سیاست‌های ارزی

آثار اقتصادی ناشی از سیاست‌های ارزی همانند سیاست‌های پولی است که اثر مستقیم بر میزان و ارزش صادرات و واردات دارد و به همین جهت اغلب سیاست‌گزاران اقتصادی، سیاست‌های ارزی را محور سیاست‌های تعادل اقتصادی قرار می‌دهند و در این راستا معمولاً به یکی از سه شیوه نظام نرخ ارز ثابت، نرخ ارز انعطاف‌پذیر و نرخ ارز شناور متوسل می‌شوند. در دوران گذار اقتصادی کشورهای در حال توسعه‌ای که اینک در شمار کشورهای تازه صنعتی شده جهان قرار دارند، معمولاً استفاده از این شیوه‌های ارزی را مشاهده می‌کنیم. سیاست‌های ارزی معمولاً در وضعیت تراز پرداخت‌ها (از طریق تغییر در تراز بازرگانی خارجی)، سطح عمومی

قیمت‌ها در بازار داخلی و میزان و حجم تولیدات داخلی اثرگذار می‌باشند. یکی از موارد قابل انجام برای روتق بخشی به صادرات از طریق کاهش ارزش پول ملی در قبال ارزهای معتبر می‌باشد که در نتیجه افزایش قیمت کالاهای وارداتی، رشد صادرات، جایگزینی منابع داخلی با منابع وارداتی و حمایت از تولیدات بخش کشاورزی، آثار مثبت اقتصادی آن ظاهر می‌شود. اما همین اقدام اثرات منفی نیز دارد که به صورت افزایش قیمت نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و کاهش میزان دستیابی به فن‌آوری برتر قابل مشاهده است.

یارانه‌ها

در همین حال اعطای یارانه به بخش‌های مختلف اقتصادی برای تقویت آنها و افزایش سهمشان در تولید ناخالص داخلی نیز آثار مثبت و منفی دارد. اثرات مثبت سیاست پرداخت یارانه به بخش‌های تولیدی برای حمایت از آنها در قالب‌های انعطاف‌پذیر، ظاهر شدن سریع آثار ناشی از حمایت یارانه‌ای در رشد بخش‌ها، امکان حمایت از صنایع خاص و راهبردی، تقویت انگیزه‌های بازار (با ارایه قیمت‌های تضمینی) برای رشد تولیدات خاص و حمایت ویژه از صنایعی که قابلیت صرفه‌جویی ارزی دارند، قابل مشاهده می‌باشد.

انعطاف‌پذیری یارانه از مباحث قابل بررسی است، زیرا میزان پرداخت یارانه، نحوه توزیع یارانه‌ها میان بخش‌های تولیدی و مصرف‌کنندگان و اثرات ناشی از قطع اعطای یارانه در اقتصاد کشورهای در حال توسعه همانند ایران باید به دقت مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد.

در همین حال پرداخت یارانه بار مالی برای دولت دارد، در حالی که با رشد صادرات کالاهای تولیدی با استفاده از یارانه، بخشی از منابع و منافع حاصل

از یارانه به خارج از کشور منتقل می‌شود. در همین حال اعطای یارانه، تخصیص بهینه و اقتصادی منابع را دچار اختلال می‌کند، زیرا سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بخش‌های برخوردار از یارانه تشویق می‌شوند و در این راستا، مزیت‌های اقتصادی و توجیه‌پذیری طرح‌های سرمایه‌گذاری کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

سیاست‌های بازرگانی

اتخاذ سیاست‌های بازرگانی اعم از تعرفه‌ها و اقدامات غیرتعرفه‌ای، آثار اقتصادی مثبت و منفی دارد. تأمین درآمد برای دولت در اثر وضع تعرفه‌های گمرکی، حمایت از تولیدات داخلی، تعیین نوع و میزان کالاهای وارداتی و اثرگذاری بر رابطه مبادله و... از آثار مثبت اتخاذ سیاست‌های بازرگانی است. در همین حال نظام تعرفه‌ای نسبت به محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های وارداتی، هزینه اجرایی کمتری را متوجه دولت و بازرگانان می‌کند.

از آثار منفی سیاست‌های بازرگانی، اختلال در قیمت نسبی کالاها و تأثیر آن بر روند و جهت سرمایه‌گذاری، تأثیر بر تراز پرداخت‌ها در حالی که تعرفه‌ها نمی‌توانند تهدید جدی علیه واردات و نوع کالاهای وارداتی باشند، حساسیت طرف‌های بازرگانی خارجی و اقدامات مشابه آنها علیه صادرات ملی، تعیین دقیق و نتیجه‌بخش نرخ تعرفه‌ها و... می‌باشند. بخشی از سیاست‌های بازرگانی که به صورت محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های وارداتی اعمال می‌شود نیز اثرات مثبت مانند کنترل و نظارت دقیق بر واردات و ایجاد واکنش سریع در محدودیت تقاضا به‌ویژه در شرایط اضطراری دارد، اما اثرات منفی آن نیز شامل ایجاد هزینه برای صنایع، انتقال درآمد به گروه‌های خاص و کاهش توان رقابت تولیدات ملی

در بازارهای جهانی به لحاظ فقدان یا کمبود دسترسی به فن‌آوری روز برای تولید کالاهای قابل رقابت با کیفیت و قیمت مناسب می‌باشد.

همان‌گونه که بیان شد، سیاست‌های حمایتی در چارچوب سیاست‌های ارزی، یارانه‌ای و سیاست‌های بازرگانی قابل اعمال می‌باشد.

آثار اقتصادی سیاست‌های ارزی در ایران

در اقتصادهایی نظیر ایران، در فرآیند رشد اقتصادی و تعدیل ساختار اقتصاد ملی، به مجموعه‌ای از تمام این سیاست‌ها توجه شده و اعمال آنها به صورت همزمان با تأکید بیشتر بر یک یا دو نوع سیاست، مدنظر سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته است.

در تدوین سیاست‌های ارزی از آغاز اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، حرکت در راستای یکسان‌سازی نرخ ارز مدنظر بوده است. کاهش تعدد نرخ‌های ارز و حرکت در قالب سیستم سه‌نرخه ارز (دولتی، رقابتی، صادراتی) در برنامه اول در راستای دستیابی به نرخ ارز مؤثر واقعی در برنامه اول و دوم تداوم داشته است. کاهش ارزش پول ملی به ویژه در برنامه اول به رشد چشمگیر صادرات غیرنفتی در این برنامه از سطح حدود یک میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ (سال تکمیلی برنامه اول) کمک بسزایی داشت. آزادسازی تجارت خارجی و کاهش موانع واردات در این دوره نیز در راه‌اندازی بخش‌های کلیدی تولیدی به‌ویژه پروژه‌های صنعتی - معدنی و برخی پروژه‌های نفتی، گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع سبک و رشد تولیدات و صادرات این بخش و... تأثیر مثبتی داشت، هر چند که

ورود کالاهای تجملی و نیز مواد و محصولات غذایی نیز در همین دوره زمانی تقویت شد.

اما انباشت تعهدات خارجی در اثر بهره‌گیری از منابع خارجی کوتاه‌مدت (بدهی‌های کوتاه‌مدت در قالب استفاده از تسهیلات یوزانس) و مشکلات تراز پرداخت‌های خارجی منجر بدان شد که سیاست‌های ارزی با شیوه و سیاق برنامه اول با برقراری محدودیت‌های ارزی تا حدودی به فراموشی سپرده شود و اثر مستقیم آن از طریق اعمال نرخ ارز صادراتی ثابت (هر دلار معادل ۳۰۰۰ ریال) و لزوم پیمان‌سپاری و بازگرداندن ارز حاصل از صادرات به نظام بانکی کشور بر ارزش صادرات غیرنفتی مشاهده می‌شود.

ارزش صادرات غیرنفتی ایران در سال‌های ۷۷-۱۳۷۴ رقمی در حدود سالانه ۳ میلیارد دلار بود که نسبت به سال ۱۳۷۳ حدود ۲۵ درصد کمتر می‌باشد. با این وجود اتخاذ سیاست‌های تازه‌ای برای خروج از نرخ ارز ثابت در قالب مبادله واریزنامه‌های ارزی در بورس اوراق بهادار تهران و تعیین نرخ ارز در بازار رقابتی تا حدودی به بهبود روند صادرات غیرنفتی کشور کمک کرده است، هر چند که سیاست محدودیت و واردات از طریق کنترل بر گشایش اعتبارات اسنادی همچنان تداوم دارد.

ارزش واردات ایران از میانگین سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار در برنامه اول به حدود سالانه ۱۴ میلیارد دلار در سال‌های اجرای برنامه دوم کاهش یافت. باید دقت داشت که محدودیت در واردات، دستیابی به فن‌آوری روز و سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی که به واردات تجهیزات و ماشین‌آلات نو نیازمند بودند را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این در حالی است که در برخی سال‌های اجرای برنامه دوم نظیر سال

تقریباً ۷ برابر و متوسط قیمت کالاهای صادراتی ۴/۵ برابر شده است، رابطه مبادله بازرگانی خارجی ایران وخیم‌تر شده است، لذا اتخاذ سیاست‌های حمایتی بازرگانی تا حدودی غیرقابل اجتناب بوده است.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که ارزش افزوده بخش بازرگانی به قیمت‌های ثابت و جاری در دوره مذکور سیر صعودی داشتند، اما سهم آن در تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری غالباً دارای روند نزولی بوده و از ۲۰/۵ درصد به ۱۷ درصد کاهش یافته، لیکن این سهم به قیمت‌های ثابت تقریباً ثابت مانده است.

در همین دوره زمانی سهم تجارت خارجی و تولید ناخالص ملی، روند کاهشی داشته به طوری که سهم صادرات (شامل نفت) به قیمت ثابت از ۱۸ درصد به ۱۶/۶ درصد و سهم ارزش واردات به قیمت‌های ثابت از ۸/۴ به ۴/۶ درصد تنزل یافته است. (کتاب سند برنامه - جلد اول)

در همین حال، طی سال‌های اجرای برنامه اول و دوم، سیاست‌های بازرگانی کشور تغییرات زیادی داشته است و این در حالی است که به تعرفه‌های گمرکی توجه کمتری شده است.

آزادسازی‌های انجام شده در زمینه واردات در آغاز اجرای برنامه اول که منجر به رشد واردات شد، نرخ‌های تعرفه‌ای را کمتر متأثر ساخت. طبق بررسی وزارت صنایع از تعداد ۵۱۰۰ ردیف تعرفه جداول ضمیمه آیین‌نامه اجرایی حدود ۲۸۵۵ ردیف تعرفه (حدود ۵۵/۹ درصد) دارای شرایط ورود (کد ۲) می‌باشد که مورد رسیدگی قرار گرفته است. از این تعداد حدود ۷۸۸ مورد از شرایط غیرمجاز (کد صفر) به مجاز (کد ۲) تغییر یافته و سود بازرگانی آن به طور متوسط حدود ۲ تا

می‌شود.

□ یارانه ارزشی: یارانه‌ای است که به صورت اعطای کالا برگ با ارزش خاص برای مصارف خاص به خانوارهای هدف پرداخت می‌شود.

□ یارانه غیرمستقیم: یارانه‌ای است که به صورت تعیین قیمت کالا و خدمات به میزانی کمتر از قیمت واقعی آن تعیین و پرداخت می‌شود و اصولاً مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد.

در همین کتاب درباره انواع یارانه‌ها و روندهای حاکم در اعطای آن آمده است: به طور کلی گرایش‌ها و روندهای حاکم در اعطای یارانه‌ها طی سال‌های گذشته را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- یارانه‌ها به طور عام، بدون آنکه هدفمندی آن مدنظر باشد، اعطا شده است.

۲- در اعطای یارانه‌ها، آثار و پیامدهای سوء یارانه برخی کالاها مورد توجه قرار نگرفته است.

۳- اعطای یارانه‌ها به طور عام، علاوه بر انحراف از مسیر و هدف اصلی، در اتلاف منابع نیز تأثیر داشته است. بدین معنا که خانوارهای دهک اول به عنوان محق‌ترین گروه‌های درآمدی، بهره‌مندی کمتری داشته‌اند و در عوض بهره‌مندی خانوارهای دهک دهم بسیار بیشتر بوده است. همچنین یارانه پرداختی در مواردی مانند انرژی سبب شده است قیمت فرآورده‌های نفتی، برق و گاز کمتر از مقدار واقعی تعیین شود و در نتیجه مصرف بی‌رویه و غیرمنطقی را در پی داشته است.

آثار اقتصادی سیاست‌های بازرگانی

در بخش سیاست‌های حمایتی بازرگانی در سال‌های اخیر، عملکردهای متفاوتی در اقتصاد ایران رایج شده است. با توجه به آنکه متوسط قیمت کالاهای وارداتی ایران در سال‌های ۷۵-۱۳۶۹

گذشته با وجود محدودیت در واردات، تراز بازرگانی کشور با ۶۲۶ میلیون دلار کسری مواجه شد، در حالی که این تراز در سال ۱۳۷۴ با بیش از ۵/۵ میلیارد دلار، در سال ۱۳۷۵ با ۷/۴ میلیارد دلار و در سال ۱۳۷۶ با بیش از ۴/۲ میلیارد دلار مازاد مواجه بود. البته نباید به نقش سقوط قیمت نفت و وابستگی زیاد درآمدهای ارزی کشور به صادرات نفت، بی‌توجه بود که تأثیر بسزایی در تغییر روند تراز بازرگانی خارجی ایران داشته است.

آثار اقتصادی توزیع یارانه‌ها

سیاست‌های مربوط به یارانه‌ها و توزیع آن در اقتصاد ایران که در برنامه‌های توسعه ده سال اخیر دنبال شده است، حایز اهمیت می‌باشند و آثار اقتصادی گوناگونی به بار آورده‌اند. یارانه‌ها در اقتصاد ایران به شکل‌های مختلفی اعطا می‌شود که اثر منفی آن به تخصیص بهینه منابع و جهت‌دهی به سرمایه‌گذاری‌های مولد اقتصادی نباید نادیده گرفته شود.

یارانه‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم به بخش‌های تولید و مصرف ارایه می‌شود. در کتاب سند برنامه پیوست شماره ۲ لایحه برنامه سوم (جلد اول) که از سوی سازمان برنامه و بودجه در شهریور ۷۸ منتشر شد، در تعریف یارانه و انواع آن، حدود و شمول آمده است: «یارانه هر گونه پرداخت‌های انتقالی را گویند که به منظور حمایت از اقشار کم‌درآمد به صورت نقدی یا جنسی به خانوارها و تولیدکنندگان کالا و خدمات تعلق می‌گیرد.» بر این اساس یارانه‌ها و روش‌های پرداخت آن در سه گروه قابل طبقه‌بندی است:

□ یارانه درآمدی: یارانه‌ای است که به صورت پرداخت نقدی و به منظور افزایش درآمد خانوارهای هدف اعمال

زمینه از دست دادن بازارهای صادراتی و خسارت دیدن صادرکنندگان در برداشت که به لحاظ اقتصادی شاید به سادگی قابل برآورد و محاسبه نباشد. این موضوع همچنین صادرکنندگان را نسبت به برنامه‌ریزی بلندمدت برای نفوذ در بازارهای جدید و حفظ و گسترش بازارهای موجود برای صدور کالاهای غیرنفتی، ضعیف و نفاذ انگیزه می‌ساخت.

در ماده ۱۱۴ لایحه برنامه سوم توسعه تصریح شده است که دولت موظف است برای رونق تجارت خارجی، موانع غیرتعرفه‌ای را حذف و نسبت به تهیه برنامه زمان‌بندی اصلاح نرخ‌های معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش‌آگهی و تعیین تعرفه‌های گمرکی اقدام کند.

برنامه سوم حرکتی برای گسترش رقابت میان تولیدکنندگان داخلی و خارجی (از طریق تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای برای واردات)، رونق‌بخشی به صادرات غیرنفتی (رفع ممنوعیت‌های صادراتی) و تبدیل نظام غیرتعرفه‌ای در بازرگانی خارجی به نظام تعرفه‌ای (تهیه برنامه زمان‌بندی اصلاح نرخ‌های معادل تعرفه) می‌باشد.

چنانچه نرخ مؤثر و واقعی تعرفه‌های بازرگانی در برنامه سوم (برمبنای نرخ ارز واریزنامه‌ای) از سطح کنونی ۲ تا ۲/۵ درصد حتی به ۵ درصد افزایش یابد، نه تنها درآمدهای دولت از حقوق گمرکی چندین برابر خواهد شد، بلکه اقدامی در راستای روند تجارت جهانی صورت می‌گیرد و حرکت‌های متقابل شرکای تجاری ایران سبب خواهد شد که دسترسی به بازارهای خارجی (یا تغییر موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای) تا حدود زیادی تسهیل گردد.

۴۲ فقره در صنایع برق و الکترونیک، ۹۴ فقره در صنایع فلزی و لوازم خانگی و ۸۰ فقره در صنایع ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات بوده است.

بر اساس نظرات کارشناسان، درآمد حاصل از حقوق گمرکی واردات در نیمه نخست سال جاری به نسبت ارزش صادرات غیرنفتی بر اساس نرخ ارز شناور (هر دلار ۱۷۵۰ ریال) نرخ مؤثر تعرفه‌های گمرکی را حدود ۱۱/۶ درصد و بر اساس نرخ ارز واریزنامه‌ای (هر دلار ۸۰۰۰ ریال) حدود ۲/۵ درصد می‌باشد. لذا می‌توان گفت نرخ مؤثر تعرفه‌های گمرکی در ایران بسیار پایین و در حد کشورهای آزاد از نظر تجارت می‌باشد.

اما موانع گمرکی غیرتعرفه‌ای برای واردات با هدف حمایت از تولیدات داخلی وجود دارد. ممنوعیت واردات برخی کالاها به‌ویژه آن گروه از کالاهای صنعتی که در داخل کشور تولید می‌شوند و ضرورت دریافت مجوز عدم ساخت از وزارتخانه‌های صنعتی گواهی وجود موانع غیرتعرفه‌ای دارد. انتظار می‌رود که با تصویب لایحه برنامه سوم توسعه در مجلس، ظرف دو سال موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای تبدیل شود و ضرورت دریافت مجوز از وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی برای واردات کالا به کلی حذف شود. در زمینه صادرات نیز برخی ممنوعیت‌ها برداشته می‌شود. صادرات تمام اقلام در دو سال آینده آزاد خواهد شد، به جز کالاهای عتیقه و میراث فرهنگی، کالاهایی که دولت به‌طور مستقیم به آنها یارانه می‌دهد و کالاهایی که جنبه حفظ محیط زیست یا ذخایر ژنتیک دارند.

در طول برنامه اول و دوم، بارها ممنوعیت صدور کالاهای مختلف با هدف تأمین تقاضای داخلی و جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت آنها در بازار اعلام شده و این امر زیان‌های بسیاری در

۲/۵ برابر در سال جاری افزایش یافته است. حدود ۸۶ مورد از سایر کدها نیز به کد ۲ تغییر یافته است.

در جدول آماری اصلاحات انجام شده در ردیف‌های تعرفه جداول پیوست آیین‌نامه اجرایی مقررات صادرات و واردات مربوط به وزارت صنایع برای سال ۷۹ نشان می‌دهد که میانگین سود بازرگانی کالاهای صنعتی در ۳۰۰ ردیف تعرفه از کالاها ۱۶/۷۸ درصد افزایش و در ۱۷ ردیف تعرفه ۱۴/۷۵ درصد کاهش یافته است. میانگین افزایش سود بازرگانی برای کالاهای صنعتی غیرنساجی ۷/۶۲ درصد و میانگین افزایش مذکور برای محصولات نساجی ۱۸/۷۵ درصد بوده است. در همین حال ۸۶ فقره از ردیف‌های تعرفه‌ای در سال گذشته به کد ۲ تغییر یافته است.

این جدول نشان می‌دهد که اصلاحات انجام شده در سال جاری برای ۷۲۵ فقره از محصولات صنعتی از ۲۱۵۰ فقره ردیف‌های تعرفه‌ای در نظام هماهنگ تعرفه‌ها مشمول افزایش سود بازرگانی تا سطح ۱۶۳ درصد شده‌اند.

میانگین افزایش سود بازرگانی اقلام صنعتی بیش از ۲۱ درصد (شامل ۱۶/۲۹ درصد برای محصولات صنعتی غیرنساجی و حدود ۲۳/۵ درصد برای محصولات نساجی) می‌باشد. کاهش سود بازرگانی تا سطح ۲۸ درصد در سال جاری برای ۸۷ ردیف بوده است. این جدول بیانگر آن است که ۷۰۵ فقره از ردیف‌های تعرفه‌ای در سال جاری به کد ۲ تغییر کرده‌اند.

تغییرات کد ۲ به کد ۱ در سال ۷۹ برای صنایع شیمیایی و سلولزی ۵۰۸ فقره، کانی غیرفلزی ۱۰۹ فقره، غذایی، دارویی و بهداشتی ۸۸ فقره بوده است. (جمع ۷۰۵ فقره)

اقلام فهرست موافقت کلی برای سال ۷۹ نیز در مجموع ۳۲۲ فقره و شامل ۱۰۶ فقره در صنایع نساجی و پوشاک،